



اهمیت به روز بودن

زمانی که ما دانش آموز بودیم، امکانات، تجهیزات و فرصت‌های یادگیری خارج از محیط مدرسه، بسیار کمتر از الان بود. ولی در همان زمان هم، برخی دانش‌آموزان به علت‌ها و روش‌های مختلف، اطلاعاتشان بیشتر از سایر دانش‌آموزان کلاس بود. مثلاً در کلاس درس‌های انگلیسی و عربی، دانش‌آموزانی بودند که به خاطر شغل پدر، چند سالی را در یک کشور انگلیسی یا عرب‌زبان گذرانده بودند، یا یکی از والدینشان تحصیلات زبانی داشت و در مدرسه یا دانشگاه، عربی یا انگلیسی تدریس می‌کرد، یا اینکه هم‌زمان در یکی از آموزشگاه‌های زبان درس می‌خواندند و به همین دلایل، زبانشان از دیگران بهتر بود.

این نکته نه تنها باعث می‌شد که نوعی ناهمگنی در کلاس درس پیش آید، بلکه معلمان را هم به چالش می‌کشید؛ به طوری که تلفظ غلط یک واژه پرکاربرد، ندانستن یک نکته مهم دستور زبانی و یا پاسخ اشتباه به یک پرسش کتاب یا دانش‌آموز، از نگاه تیزبین چنین دانش‌آموزانی دور نمی‌ماند. در چنین مواقعی، دانش‌آموزانی که محتاط و مدبر نبودند و می‌خواستند سواد خود را به رخ دیگران بکشند و یا معلم را آزار دهند، همان موقع این خطا را گوشزد می‌کردند. اما افرادی که قدری محتاط‌تر و خویشتن‌دار بودند و قصدشان هم تظاهر نبود، در پایان کلاس، به تنهایی موضوع را با معلم مطرح می‌کردند.

در چنین شرایطی واکنش‌های معلمان هم متفاوت بود. برخی واکنش‌های تند از خود نشان می‌دادند و برخی نیز با سعه صدر می‌پذیرفتند. ولی در هر صورت تکرار این اشتباه‌ها، هم وجهه معلم را خدشه‌دار می‌کرد و هم اعتماد دانش‌آموزان را از بین می‌برد.



در دنیای امروز اما، این موضوع دشوارتر و پیچیده‌تر شده است. بدین معنی که علاوه بر باسواد بودن، باید به‌روز بود تا از دیگران عقب نیفتاد. زمانی گفته می‌شد که معیار باسواد بودن، فقط خواندن و نوشتن نیست، بلکه دانستن یک زبان خارجی و توانایی کار با رایانه هم لازم است تا فردی باسواد تلقی شود. ولی امروزه این نیز کفایت نمی‌کند

و گفته می‌شود دانستن دست‌کم دو

زبان خارجی، توانایی جست‌وجوی

حرف‌های در اینترنت، توانایی

کار با نرم‌افزارهای متفاوت،

و کار در محیط شبکه‌های

اجتماعی متنوع، از

ضرورت‌های یک

فرد باسواد است. به

بیان دیگر، تمامی

افراد جامعه، و به

شکل خاص، تمامی

مدرسان لازم است

با زبان، رایانه،

اینترنت و شبکه‌های

اجتماعی آشنایی

کافی داشته باشند.

از این رو، معلمان زبان

با چالش جدیدی روبه‌رو

هستند یا خواهند شد. در واقع

برخلاف گذشته، تمامی فراگیرندگان تا

حدی-میزان آن بسته به شهر و استان محل

زندگی، متفاوت است- با زبان آشنا هستند و مثل سابق، افرادی

نیستند که از نقطه صفر شروع کرده باشند. بنابراین دانستن

برخی نکات توسط معلم از نظر دانش‌آموزان امری بدیهی و

حتی عادی محسوب می‌شود و انتظار دارند که معلم، از آنان

جلوتر و مطلع‌تر باشد.

علاوه بر این، اطلاع از نظریه‌های جدید یادگیری،

رفتارشناسی، روان‌شناسی و به خصوص روان‌شناسی آموزشی

سبب خواهد شد معلمان در ارتباط و تعامل با دانش‌آموزان

بهرتر عمل کنند و فرایند یادگیری به شکل مفیدتری تحقق

یابد. مثلاً داشتن اطلاعاتی هر چند اندک در مورد نظریه‌هایی

مانند «هوش‌های چندگانه» و «هوش هیجانی»، بدون تردید

فرایند آموزش را آسان‌تر و مؤثرتر خواهد ساخت.

امروزه در بسیاری از کلاس‌ها و کارگاه‌های آموزشی،

حاضران مجوز و امکان دسترسی به اینترنت را دارند.

بنابراین هر کلامی که از زبان مدرس آن کلاس یا کارگاه

خارج می‌شود، همان موقع قابل جست‌وجوست و اگر آن

مدرس در موضوع مورد بحث اطلاعات و تسلط کافی نداشته

باشد، این بار شبکه گسترده اطلاعات جهانی به چالش او خواهد آمد. مجازی شدن برگزاری کلاس‌ها نیز این دسترسی به اطلاعات را برای فراگیرندگان راحت‌تر کرده است؛ هرچند که برای مدرسان نیز فرصتی فراهم کرده است تا در حین تدریس، به اطلاعاتی دسترسی داشته باشند که هنگام تدریس حضوری، امکان‌پذیر نبود.

چند هفته پیش با یک استاد دانشگاه صحبت می‌کردم که

نزدیک ۲۸ سال سابقه تدریس در دانشگاه داشت. از او پرسیدم:

«برای تدریس فلان درس، از کدام منبع استفاده می‌کنی؟»

منبعی را که نام برد برایم بسیار عجیب بود، چون مربوط به ۳۰

سال پیش بود! پرسیدم: «این همه منبع خوب و جدید بعد از

این کتاب آمده است، چرا از آن‌ها استفاده نمی‌کنی؟» پاسخی

که او داد، مرا بیشتر شگفت‌زده کرد، چون گفت: «برای قصابی

و مرغ‌فروشی، اصلاً مهم نیست که من چه کسی هستم و چه

کتابی را تدریس می‌کنم!»

گرچه در پاسخ او نکته قابل تأمل و درد بزرگی نهفته

است، ولی قانع‌کننده نیست و تا حدی از زیر بار مسئولیت

شانه خالی کردن است. معلمی شغل دشواری است و حتی

بی‌تردید یکی از دشوارترین، پیچیده‌ترین، ظریف‌ترین

و البته بارزترین شغل‌هاست و یکی از ملزومات شغل

معلمی، «یادگیری مادام‌العمر» است. از این رو، با توجه

به شتاب روزافزون گسترش علوم و انفجار اطلاعات، لازم

است که همه ما ابتدا در بعد فردی به این نکته مهم توجه

کنیم و سپس سازمان‌های مربوط نیز از طریق آموزش

ضمن خدمت البته با تعاریف جدید و بهره‌گیری از امکانات

و روش‌های پیشرفته‌تر و راهکارهای متفاوت‌تر، آن را تقویت

و پیگیری کنند.

در سالی که گذشت، جهان نوع جدیدی از زندگی در ابعاد

مختلف و به ویژه ابعاد شغلی و آموزشی را تجربه کرد که در

کنار مشکلات و مصیبت‌های آن، یافته‌ها و نتایج مثبتی را هم

به همراه داشت. امیدواریم در سال جدید، با بهره‌گیری از این

یافته‌ها، اقدام‌های مؤثری برای بهبود روند آموزش و به خصوص

آموزش زبان در ایران و جهان صورت گیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. Multiple Intelligences طبق نظر هاوارد گاردنر، روان‌شناس آمریکایی، انسان‌های از هوش‌های متفاوتی بهره‌مندند و برای اینکه فردی بتواند از تمامی استعدادها و قابلیت‌های خود به خوبی استفاده کند، باید به این هوش‌های هشت‌گانه توجه شود که عبارتند از: هوش منطقی-ریاضی، هوش تصویری-فضایی، هوش کلامی-زبانی، هوش جسمی-حرکتی، هوش درون‌فردی، هوش برون‌فردی، هوش طبیعت‌گرا و هوش موسیقایی. لازم به ذکر است، تمامی افراد به یک اندازه از این هوش‌ها و قابلیت‌ها بهره‌مند نیستند و ممکن است کسی که در یک نوع هوش، ضریب بالایی دارد، در هوش دیگری، ضریب پایینی داشته باشد.

۲. Emotional Intelligence: منظور از «هوش هیجانی» یا «هوش عاطفی»، شناخت، کنترل و مدیریت عواطف و هیجانات خود و دیگران است که در تمامی روابط و تعاملات انسانی و به خصوص امر آموزش تأثیر زیادی دارد. این اصطلاح نخستین بار در دهه ۱۹۹۰ توسط دو روان‌شناس به نام‌های جان مایر و پیتر سالووی مطرح شد.